

# خانواده درماني

مؤلفان: ايرنه گلدنبرگ - هربرت گلدنبرگ  
مترجمان: حميد رضا حسين شاهي برواتي - دكتور سايك نقشبندي  
الهام ارجمند (مترجم همكار)



# خانواده در مانی

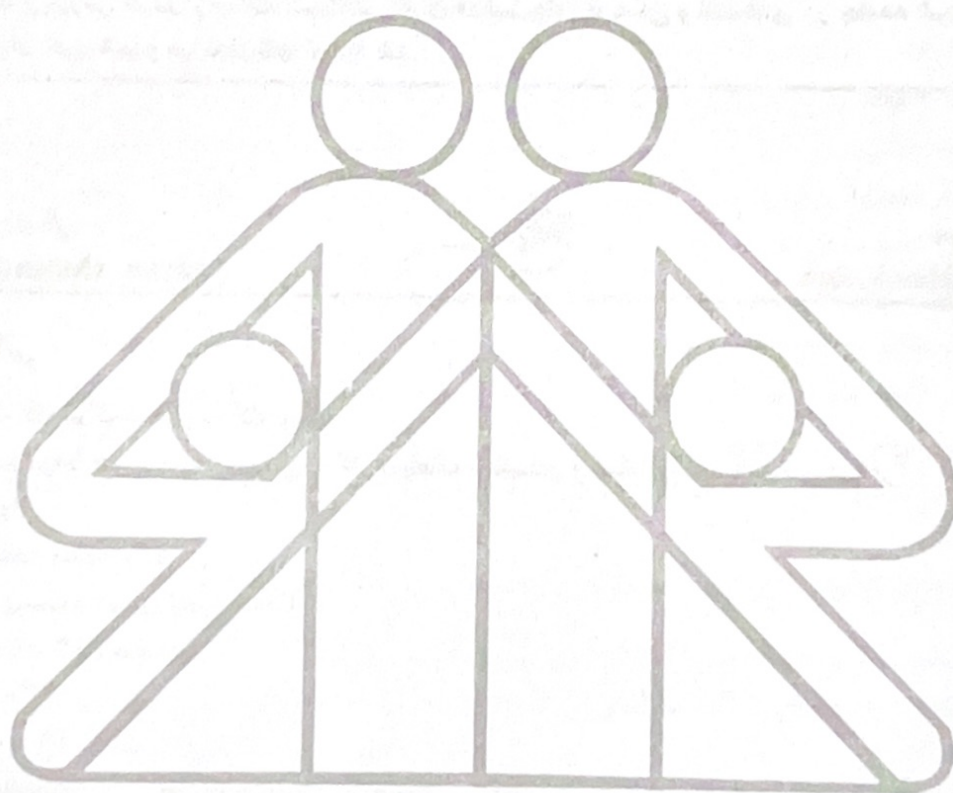
مؤلفان:

ایرنه گلدنبرگ - هربرت گلدنبرگ

مترجمان:

حمیدرضا حسین شاهی برواتی - دکتر سیامک نقشبندی

الهام ارجمند [ مترجم همکار ]



روشن

# فهرست مطالب

۱	پیشگفتار مترجمان
۳	پیشگفتار مؤلفان

## بخش اول : چشم اندازهای خانواده درمانی

۹	فصل اول: اتخاذ چهارچوب ارتباط خانوادگی
۱۱	ساختار خانواده
۱۱	راهبردهای خانواده
۱۲	فرضهای خانوادگی
۱۲	دیدگاه خانواده درمانی
۱۵	تغییر الگو یا دستور کار
۱۶	معرفت شناسی دانش- فرمانش (سیبرنتیک)
۱۸	علیت متقابل یا جبر دوسویه
۲۰	بیمار- آشکار و پدیدایی نشانه‌ها
۲۲	دانش- فرمانش مرتبه دوم
۲۵	چکیده فصل

۲۷	فصل دوم: تحول خانواده: تداوم و تغییر
۲۸	چهارچوب مبتنی بر چرخه زندگی خانوادگی
۳۱	الگوی مرحله‌ای چرخه‌های زندگی خانوادگی
۳۱	مراحل تحولی
۳۳	انتقالهای خانوادگی و رفتار نشانه‌دار (بیمارگون)
۳۵	نقد الگوی مرحله‌ای
۳۷	خانواده‌های در حال تغییر، روابط در حال تغییر
۳۷	توالی رشد و تحول در خانواده‌های کامل و تمام‌عیار

۴۲	توالی رشد و تحول در سایر خانواده‌ها.
۴۶	تحول خانواده و مسایل مربوط به جنسیت
۵۰	ملاحظات چندفرهنگی.
۵۰	گونه‌گونی فرهنگی و نظامهای خانوادگی
۵۴	فقر، طبقه اجتماعی، و چرخه زندگی خانوادگی
۵۶	چکیده فصل
۵۹	<b>فصل سوم: خانواده به مثابه نظامی روانی - اجتماعی.</b>
۶۰	برخی ویژگیهای نظام خانوادگی
۶۲	قواعد خانواده
۶۵	تعادل خانواده
۷۰	تعادل ساختی و ساخت‌زایی
۷۱	پسخوراند، اطلاعات، و مهار (کنترل)
۷۵	خرده‌نظامها و مرزبندیها
۷۹	نظامهای باز و بسته
۸۰	خانواده و نظامهای بزرگتر
۸۲	چکیده فصل

## بخش دوم: خاستگاه و رشد خانواده‌درمانی

۸۷	<b>فصل چهارم: خاستگاههای خانواده‌درمانی: چشم‌اندازی تاریخی</b>
۸۷	ریشه‌های تاریخی خانواده‌درمانی
۹۲	روانکاوی
۹۵	نظریه عمومی سیستمها
۹۹	بررسیهای مربوط به اسکیزوفرنی و خانواده.
۱۰۷	مشاوره زناشویی و راهنمایی کودک
۱۱۲	گروه‌درمانی
۱۱۴	چکیده فصل

۱۱۷	<b>فصل پنجم: رشد خانواده‌درمانی: ۱۹۵۰ تا حال حاضر</b>
۱۱۷	دهه ۱۹۵۰: از پژوهش راجع به خانواده تا خانواده‌درمانی
۱۲۱	دهه ۱۹۶۰: یورش و هجوم برای کار عملی
۱۲۴	دهه ۱۹۷۰: فنون ابتکاری و خودآزمایی
۱۲۹	دهه ۱۹۸۰: بالیدگی، تخصصی شدن، و یک معرفت‌شناسی جدید
۱۳۲	دهه ۱۹۹۰: یکپارچگی و التقاط
۱۳۵	چکیده فصل

## بخش سوم: نظریه‌ها و شیوه‌های معاصر کار

۱۳۹	فصل ششم: نظریه و روال کار در رویکردهای روانپویشی.....
۱۴۱	دیدگاه روانپویشی.....
۱۴۲	روانکاوی و پویه‌های خانواده (آکرمن).....
۱۵۰	نظریه روابط فردی.....
۱۵۲	درمان مبتنی بر روابط فردی.....
۱۵۲	روابط فردی و خانواده‌های مبدأ (فریمو).....
۱۵۶	رویکرد تحلیل گروهی نظامهای باز (اسکینر).....
۱۵۹	خانواده‌درمانی مبتنی بر روابط فردی (شارف و شارف).....
۱۶۱	درمان بافت‌نگر.....
۱۶۱	اصول اخلاقی ارتباط و ترازپرداخت خانواده (بوزورمنی - نیگی).....
۱۶۸	چکیده فصل.....
۱۷۱	فصل هفتم: نظریه و روال کار در رویکردهای تجربه‌نگر / انسان‌گرا.....
۱۷۲	الگوی تجربه‌نگر.....
۱۷۳	خانواده‌درمانی تجربه‌نگر نمادی (ویتاگر).....
۱۸۴	گشتالت‌درمانی خانواده (کمپلر).....
۱۹۳	الگوی انسان‌گرا.....
۱۹۳	رویکرد مبتنی بر فرایند اعتباریابی انسان (ستیر).....
۲۰۵	چکیده فصل.....
۲۰۷	فصل هشتم: نظریه و روال کار در رویکرد بوون.....
۲۰۹	نظریه نظامهای خانواده.....
۲۱۰	هشت مفهوم نظری به هم پیوسته بوون.....
۲۱۲	تفکیک خویشتن.....
۲۱۵	مثلث‌ها.....
۲۱۷	نظام عاطفی خانواده هسته‌ای.....
۲۱۹	فرایند فراقتنی خانواده.....
۲۲۰	گسلش عاطفی.....
۲۲۲	فرایند انتقال چندنسلی.....
۲۲۳	جایگاه همشیرها.....
۲۲۳	واپسروی اجتماعی.....
۲۲۴	نظام خانواده‌درمانی بوون.....
۲۲۴	مصاحبه ارزیابی.....
۲۲۶	نسل‌نگار (نگاره نسلیها).....

فنون مداخله در خانواده .....

چکیده فصل .....

## فصل نهم: نظریه و روال کار در رویکرد ساخت‌نگر .....

نظریه ساختاری خانواده .....

ساختار خانواده .....

خرده‌نظامهای خانواده .....

نفوذپذیری مرزها .....

اتحاد، قدرت، و تبانی .....

بدکاری خانواده .....

خانواده‌درمانی ساخت‌نگر .....

نقشه‌برداری خانواده .....

ملاحظات کلی درمانی .....

فنون مداخله ساختاری .....

اهداف درمان .....

چکیده فصل .....

## فصل دهم: نظریه و روال کار در رویکردهای پیام‌رسانی / راهبردنگر .....

خانواده‌درمانی تعامل‌نگر MRI .....

مراحل تدوین الگوی (پارادایم) پیام‌رسانی .....

تمامی رفتارها نوعی پیام‌رسانی هستند .....

کارکردهای گزارشی و دستوری .....

روابط متقارن و مکمل .....

مفروضه‌های درمانی .....

درمان از طریق بن‌بست دوسویه .....

خانواده‌درمانی کوتاه مدت MRI .....

خانواده‌درمانی راهبردنگر .....

معنای نشانه‌ها .....

تدوین راهبردهای درمانی .....

مصاحبه آغازین .....

استفاده از رهنمود .....

فنون وانمودی و استعاره‌های خانوادگی .....

چکیده فصل .....

## فصل یازدهم: نظریه و روال کار در رویکردهای سیستمی میلان .....

خانواده‌درمانی سیستمی میلان .....

درمان مختصر بلندمدت .....

۲۹۵	جلسات خانوادگی ساخت‌دار
۲۹۷	فنون مصاحبه‌ای میلان
۳۰۳	اصول مداخلات درمانی
۳۰۵	تجویز لایتغیر و فرایند روانپزشکی
۳۰۷	معرفت‌شناسی نوین سیستمی
۳۱۰	چکیده فصل
۳۱۱	فصل دوازدهم: نظریه و روال کار در رویکردهای رفتاری / شناختی
۳۱۴	برخی مفاهیم رفتاری / شناختی اساسی
۳۱۹	گستره خانواده‌درمانی رفتاری / شناختی
۳۲۲	درمان زناشویی رفتاری
۳۳۳	آموزش رفتاری والدین
۳۴۰	خانواده‌درمانی کارکردی
۳۴۴	درمان جمعی اختلالات جنسی
۳۴۷	چکیده فصل
<b>بخش سوم: چشم‌اندازها و شیوه‌های ابتکاری</b>	
۳۵۱	فصل سیزدهم: الگوها و فنون آغازین در خانواده‌درمانی
۳۵۲	شیوه‌های مبتنی بر اصول پویایی گروه
۳۵۳	گروه‌درمانی خانواده
۳۵۵	شیوه‌های درمانی غیرکلامی
۳۵۶	تندیس خانواده
۳۵۸	طراحی رقص خانوادگی
۳۵۸	شیوه‌های درمانی بحران‌نگر
۳۵۹	درمان چندمنظوره
۳۶۱	درمان بحران خانوادگی
۳۶۳	شیوه‌های درمانی مبتنی بر گروه‌های بزرگ
۳۶۴	درمان با چند خانواده
۳۶۶	گروه‌درمانی زناشویی (زوجین)
۳۶۸	مداخله مبتنی بر شبکه اجتماعی
۳۷۱	چکیده فصل
۳۷۳	فصل چهاردهم: رهنمودهای جدید در خانواده‌درمانی
۳۷۴	سازهنگری پسامدرن
۳۷۵	چشم‌اندازهای مدرن در برابر پسامدرن
۳۷۷	پسامدرنیسم، زبان، و سازهنگری اجتماعی

درمان کوتاه مدت راه حل مدار .....

درمان راه حل نگر .....

رویکرد مبتنی بر نظامهای زبانی مشترک .....

روایت درمانی .....

گروه انعکاس دهنده .....

خانواده درمانی حساس در برابر جنسیت .....

نقد طرفداران برابری زنان از خانواده درمانی .....

خانواده درمانی مبتنی بر برابری زنان .....

درمان از منظر رویکرد حساس در برابر جنسیت .....

خانواده درمانی مبتنی بر آموزش روانی .....

اسکیزوفرنی و کارکرد خانواده .....

هیجان ابراز شده و اسکیزوفرنیا .....

فرایند درمان .....

خانواده درمانی پزشکی .....

چکیده فصل .....

پیوستها .....

واژه نامه توصیفی .....

منابع و مآخذ .....



## پیشگفتار مترجمان

به جرأت می‌توان گفت که مبحث خانواده، یکی از دلنشین‌ترین موضوعات در روانشناسی است. چرا که در بدو امر، با نزدیکترین محیط بلافصل ما، یعنی، خانواده سر و کار دارد. از هرچه که بتوانیم فاصله بگیریم، از خانواده نمی‌توانیم، چونکه بدون وجود خانواده، در هر شکل و صورتی که باشد، مفهوم زندگی و حیات انسانی مصداقی نخواهد داشت.

مفهوم خانواده و ارزش این نهاد اجتماعی برای هر دولت و جامعه‌ای اساس کار تلقی می‌شود و هر جامعه متناسب با ارزشهای خود ابتدا به سراغ خانواده می‌رود تا از درون آن، شهروندان آتی خویش را پروراند. این موضوع وقتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که جامعه به خاطر تحولات ساختاری و زیربنایی به شهروندانی جدید با طرز فکری نو نیاز داشته باشد. به همین خاطر است که خانواده یکی از اولین نهادهایی است که در جامعه باید تغییر کند و تغییری در آن حاصل نخواهد شد مگر از طریق درک و شناخت علمی از کارکردها و بدکاریهای آن.

کتاب حاضر یکی از درسنامه‌های جامع در خصوص روانشناسی خانواده و خانواده‌درمانی است که اولین بار در محضر یکی از اساتید فرهیخته در برنامه فوق درسی آموزش عملی خانواده‌درمانی با آن آشنا شدم. به خاطر جامعیت کتاب، در همان زمان تصمیم گرفته شد که این کتاب سریعاً ترجمه و روانه بازار شود. همکاری با دوست قدیمی و عزیزم، دکتر سیامک نقشبندی، که دعوت اینجانب را با خوشرویی پذیرا شده بود، این امکان را فراهم ساخت تا کتاب حاضر به هر صورتی که شده و با صرف چندین سال به‌رغم گرفتاریهای آموزشی و شخصی، به پایان برسد. ترجمه فصول ۹ و ۱۰ (رویکرد ساخت‌نگر و رویکردهای تعامل‌نگر / راهبردی) توسط ایشان و ترجمه فصل ۱۱ (رویکرد سیستمی میلان) به دست سرکارخانم الهام ارجمند صورت گرفته است.

در ترجمه کتاب تمامی کوشش مترجمان آن بوده که در عین وفاداری به متن، ترجمه‌ای روان و قابل فهم برای عموم دانشجویان و متخصصان عرضه شود. در نتیجه، متن کتاب بارها با ترجمه مقابله و در برخی موارد اصلاح و بازنویسی شد که شایسته است در همین جا از سرکار خانم هلن صادقی‌نژاد و جناب آقای سید ضیاء طاق زعفرانی که در بازنویسی اصلاحات فصول ۹ و ۱۰ ما را یاری کرده‌اند،

صمیمانه تشکر کنیم.

همچنین جناب آقای قاسم شمس با ویرایش فنی و زبانی و پیشنهادهای درخور تحسین خویش باعث شدند تا کاستیهای ترجمه به مراتب کمتر از آن حدی باشد که ابتدا بوده است. در این میان نمی توان از زحمات سرکار خانم منصوره خانلری که کار دشوار دستنوشته‌ها را برعهده داشتند، گذشت. ایشان با کمال کاردانی به مترجمان کمک کردند تا بازخوانی و غلط‌گیری متون به کاری سهل و راحت تبدیل شود. از هر دوی این عزیزان کمال تشکر و سپاس را داریم.

متن حاضر حاصل تلاش ذهنی و بضاعت مترجمان به شمار می آید. لذا، تعجبی ندارد که کاستیهایی در کار دیده شود. در همین جا از تمامی کسانی که با مطالعه کتاب حاضر، کلمات مبهم یا اشتباه آن را به مترجمان گوشزد می کنند، پیشاپیش تشکر می کنیم، چرا که امکان ارتقای دانشمان را از طریق سهم کردن ما در اطلاعاتشان فراهم ساخته اند.

حمیدرضا حسین شاهی برواتی

زمستان ۱۳۸۲

## پیشگفتار مؤلفان

در اوایل ظهور این حوزه، ما که مشغول یادگیری چهارچوب مفهومی جدید خانواده‌درمانی برای درک رفتار بودیم، چه هیجانی در خود احساس می‌کردیم. در همان زمان که از زاویه فردی و خطی به رفتار نمی‌نگریستیم، یاد گرفتیم تا در پی بافتی باشیم که کنشهای رفتاری در بستر آن رخ می‌دادند، و از ابعاد تعاملی، تبادلی، و ارتباطی به آن بیندیشیم. در آن سالهای آغازین چالشی اصلی که پیش روی ما قرار داشت، آن بود که این چهارچوب مفهومی جدید را برای خوانندگان عرضه کنیم، و به آنها کمک نماییم تا توده انبوه داده‌های نظری و بالینی را که رفته‌رفته در دسترس قرار می‌گرفتند، سامان دهند.

نخستین چاپ کتاب ما (در ۹ فصل) بازتاب همین کوشش برای عرضه متوازی از مبانی نظری عمده و روال کار بالینی در این عرصه جدید بود. سازمان کتاب مزبور بر گرد مساعیهای پیشگامان این حوزه می‌چرخید، و در وهله اول تکلیف ما آن بود که یک واریسی غیرسودار از دیدگاهها، چشم‌اندازها، ارزشها، فنون مداخلاتی، و اهداف درمان برای خوانندگان فراهم سازیم. در چاپهای دوم و سوم، از آنجایی که «مکاتب» قابل توجهی ظهور کرده بودند، مناقشات نظری بالاگرفته بود، و اقدامات پژوهشی به شیوه‌ای منظم‌تر صورت می‌پذیرفت، تلاش کردیم ساختار این حوزه را بیشتر مشخص کنیم تا درک بهتری از کار خویش داشته باشیم.

در چاپ حاضر (هفده فصل و سه پیوست)، باز هم مروری داریم بر تکوین و تحول این حوزه و پیچیدگی و پختگی آن. خانواده‌درمانی که اینک به عنوان بخشی از رشته‌های مشاوره و کلاسها و سمینارهای دانشگاهی روان‌درمانی جا افتاده است، چه به لحاظ نظری و چه از جنبه کاربردهای درمانی، به سوی راههای مهیج جدیدی رهسپار است. با اینکه اولین مبدعان و مبتکران این حوزه هنوز هم اهمیت خود را حفظ کرده‌اند، مفاهیم و مطالب یکایک آنان در حال حاضر در نتیجه دروندادهای بسیاری از دست‌اندرکاران عمیق‌تر و غنی‌تر شده است. امروزه، میان رویکردهای خانواده‌درمانی رقابت کمتری به چشم می‌خورد و این عقیده که از مسیرهای فراوانی می‌توان به سرمنزل مقصود رسید، مقبولیت و تأیید بیشتری یافته است. با اینکه ما، بنا به مقاصد آموزشی، باز هم برای روشن ساختن سهم خانواده‌درمانگرهایی که تأکیدات متفاوتی داشته‌اند، فصول مجزایی را ارائه کرده‌ایم، لازم است

## پیشگفتار مؤلفان

در اوایل ظهور این حوزه، ما که مشغول یادگیری چهارچوب مفهومی جدید خانواده‌درمانی برای درک رفتار بودیم، چه هیجانی در خود احساس می‌کردیم. در همان زمان که از زاویه فردی و خطی به رفتار نمی‌نگریستیم، یاد گرفتیم تا در پی بافتی باشیم که کنشهای رفتاری در بستر آن رخ می‌دادند، و از ابعاد تعاملی، تبادلی، و ارتباطی به آن بیندیشیم. در آن سالهای آغازین چالشی اصلی که پیش روی ما قرار داشت، آن بود که این چهارچوب مفهومی جدید را برای خوانندگان عرضه کنیم، و به آنها کمک نماییم تا توده انبوه داده‌های نظری و بالینی را که رفته‌رفته در دسترس قرار می‌گرفتند، سامان دهند.

نخستین چاپ کتاب ما (در ۹ فصل) بازتاب همین کوشش برای عرضه متوازنی از مبانی نظری عمده و روال کار بالینی در این عرصه جدید بود. سازمان کتاب مزبور بر گرد مساعیهای پیشگامان این حوزه می‌چرخید، و در وهله اول تکلیف ما آن بود که یک وارسی غیرسودار از دیدگاهها، چشم‌اندازها، ارزشها، فنون مداخلاتی، و اهداف درمان برای خوانندگان فراهم سازیم. در چاپهای دوم و سوم، از آنجایی که «مکاتب» قابل توجهی ظهور کرده بودند، مناقشات نظری بالاگرفته بود، و اقدامات پژوهشی به شیوه‌ای منظم‌تر صورت می‌پذیرفت، تلاش کردیم ساختار این حوزه را بیشتر مشخص کنیم تا درک بهتری از کار خویش داشته باشیم.

در چاپ حاضر (هفده فصل و سه پیوست)، باز هم مروری داریم بر تکوین و تحول این حوزه و پیچیدگی و پختگی آن. خانواده‌درمانی که اینک به عنوان بخشی از رشته‌های مشاوره و کلاسها و سمینارهای دانشگاهی روان‌درمانی جا افتاده است، چه به لحاظ نظری و چه از جنبه کاربردهای درمانی، به سوی راههای مهیج جدیدی رهسپار است. با اینکه اولین مبدعان و مبتکران این حوزه هنوز هم اهمیت خود را حفظ کرده‌اند، مفاهیم و مطالب یکایک آنان در حال حاضر در نتیجه دروندادهای بسیاری از دست‌اندرکاران عمیق‌تر و غنی‌تر شده است. امروزه، میان رویکردهای خانواده‌درمانی رقابت کمتری به چشم می‌خورد و این عقیده که از مسیرهای فراوانی می‌توان به سرمنزل مقصود رسید، مقبولیت و تأیید بیشتری یافته است. با اینکه ما، بنا به مقاصد آموزشی، باز هم برای روشن ساختن سهم خانواده‌درمانگرهایی که تأکیدات متفاوتی داشته‌اند، فصول مجزایی را ارائه کرده‌ایم، لازم است

## پیشگفتار مؤلفان

در اوایل ظهور این حوزه، ماکه مشغول یادگیری چهارچوب مفهومی جدید خانواده‌درمانی برای درک رفتار بودیم، چه هیجانی در خود احساس می‌کردیم. در همان زمان که از زاویه فردی و خطی به رفتار نمی‌نگریستیم، یاد گرفتیم تا در پی بافتی باشیم که کنشهای رفتاری در بستر آن رخ می‌دادند، و از ابعاد تعاملی، تبادلی، و ارتباطی به آن بیندیشیم. در آن سالهای آغازین چالشی اصلی که پیش روی ما قرار داشت، آن بود که این چهارچوب مفهومی جدید را برای خوانندگان عرضه کنیم، و به آنها کمک نماییم تا توده انبوه داده‌های نظری و بالینی را که رفته‌رفته در دسترس قرار می‌گرفتند، سامان دهند.

نخستین چاپ کتاب ما (در ۹ فصل) بازتاب همین کوشش برای عرضه متوازی از مبانی نظری عمده و روال کار بالینی در این عرصه جدید بود. سازمان کتاب مزبور بر گرد مساعیهای پیشگامان این حوزه می‌چرخید، و در وهله اول تکلیف ما آن بود که یک واریسی غیرسودار از دیدگاهها، چشم‌اندازها، ارزشها، فنون مداخلاتی، و اهداف درمان برای خوانندگان فراهم سازیم. در چاپهای دوم و سوم، از آنجایی که «مکاتب» قابل توجهی ظهور کرده بودند، مناقشات نظری بالا گرفته بود، و اقدامات پژوهشی به شیوه‌ای منظم‌تر صورت می‌پذیرفت، تلاش کردیم ساختار این حوزه را بیشتر مشخص کنیم تا درک بهتری از کار خویش داشته باشیم.

در چاپ حاضر (هفده فصل و سه پیوست)، باز هم مروری داریم بر تکوین و تحول این حوزه و پیچیدگی و پختگی آن. خانواده‌درمانی که اینک به عنوان بخشی از رشته‌های مشاوره و کلاسها و سمینارهای دانشگاهی روان‌درمانی جا افتاده است، چه به لحاظ نظری و چه از جنبه کاربردهای درمانی، به سوی راههای مهیج جدیدی رهسپار است. با اینکه اولین مبدعان و مبتکران این حوزه هنوز هم اهمیت خود را حفظ کرده‌اند، مفاهیم و مطالب یکایک آنان در حال حاضر در نتیجه دروندادهای بسیاری از دست‌اندرکاران عمیق‌تر و غنی‌تر شده است. امروزه، میان رویکردهای خانواده‌درمانی رقابت کمتری به چشم می‌خورد و این عقیده که از مسیرهای فراوانی می‌توان به سرمنزل مقصود رسید، مقبولیت و تأیید بیشتری یافته است. با اینکه ما، بنا به مقاصد آموزشی، باز هم برای روشن ساختن سهم خانواده‌درمانگرهایی که تأکیدات متفاوتی داشته‌اند، فصول مجزایی را ارائه کرده‌ایم، لازم است

خاطرنشان سازیم که خانواده‌درمانی، روی هم‌رفته، به سوی وحدت و یکپارچگی بیشتر آرا و روشهای بالینی رهسپار است.

در چاپ فعلی، این فرصت را یافته‌ایم که «حکایت» خانواده‌درمانی را از منظری تازه و معاصر بازگو نماییم. برخی از خانواده‌درمانگرهایی که، تحت تأثیر اندیشهٔ پسامدرن، دیگر بر تفکر نظریهٔ سیستم‌ها تکیه نمی‌زنند، به تدریج نگاه نزدیکتری به نقش زبان و معنا در شناخت و درک مشکلات خانواده افکنده‌اند، و راه‌حل این مشکلات را در میان اعضای همان خانواده می‌جویند. مفاهیم دیدگاه طرفدار برابری زنان (فمینیست) در خصوص اصول مقدماتی و روال کار خانواده‌درمانگرها نیز رسالت خانواده‌درمانگر را روشنتر ساخته است، و به نوبهٔ خود این حوزه را به عرصه‌هایی از زندگی خانوادگی کشانده که پیش از این مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. مضاف بر آن، در بحثهای مفصلی که راجع به شیوه‌های نوین کارآموزی و نظارت، چالشهای نو در خصوص روال کار کنونی، و علاقهٔ رو به افزایش برای رفتار اخلاقی، و همچنین واریسی برخی مباحث گسترده‌تر در حوزهٔ کلی مسئولیت دست‌اندرکاران و پژوهشگران داریم، پیشرفتهای نهایی این حوزه را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

همچون چاپهای قبل، ما معتقدیم که درمانگران پیش از کمک رساندن به خانواده‌ها، لازم است آموزش پایه را دربارهٔ اصول کلی تحول خانواده ببینند و در حدی مطلوب از نظریهٔ سیستم‌ها مطلع باشند. آنها می‌بایست در حد پایه بدانند چه چیزی موجب بدکاری در خانواده می‌شود، و چطور میان آن دسته از خانواده‌هایی که دچار بحرانهای تکان‌دهنده ولیکن کوتاه مدت می‌شوند - و در پاسخ به این بحرانها منابع خود را مستقلاً، و بدون نیاز به کمک بیرونی، فرا می‌خوانند، و به سازماندهی مجدد و بهبود دست می‌یابند - از خانواده‌هایی که راه‌حل‌هایشان به دفعات از نوع بدکار است، فرق قایل شوند.

به همین خاطر، بخش اول بدین منظور نگاشته شده که به خواننده کمک کند تا نگاه پارادایمی خویش را به جنبه‌های ارتباطی یا سیستمی رفتارها معطوف سازد، از جمله رفتار اشخاصی که بدکار یا بیمارگون نامیده می‌شدند. بحث رشد و تحول خانواده، در هر دو حالت کامل و تمام‌عیار یا سایر حالت‌های خانوادگی، و همچنین توجه به مباحث جنسیتی و فرهنگی بدین خاطر گنجانده شده است که خواننده پیش از ملاحظهٔ چگونگی رشد و تحول این حوزه (بخش دوم) و نظریه‌ها و روال کار آن (بخش سوم)، زمینهٔ کافی را داشته باشد. بخش چهارم، اختصاص به برخی از الگوها و فنون آغازینی دارد که به شناسایی این حوزه کمک کرده‌اند (در خلال چاپهای مختلف این کتاب درسی، برخی از این موارد از موضع پیشگام [آوانگارد] خارج شده‌اند و صرفاً اهمیتی تاریخی یافته‌اند)؛ علاوه بر این، در بخش چهارم نگاهی خواهیم داشت به افقها و ابتکارات جدیدی که هم اینک در حال تغییر سیمای خانواده‌درمانی هستند.

بخش نهایی، بخش پنجم، معطوف به کوششهای پژوهشی است و علاوه بر آن، به راه و چاره خانواده‌درمانی بذل عنایت دارد؛ کجا و چطور به دنبال کسب کارآموزی و نظارت در مورد خانواده‌درمانی باشیم و چگونه، از طریق مقررات قانونی و خودبازبینی، روشهای رو به ازدیاد خانواده‌درمانی را به نظم

درآوریم<sup>۱</sup>. در پایان، یک مجموعه «پیوست» گنجانده‌ایم که در چند جدول، مقایسه‌ای از دیدگاههای نظری و فنون درمانی معاصر و اهداف خانواده‌درمانی را به دست می‌دهد؛ همچنین، ضوابط اخلاقی اقتباس شده از «انجمن درمان زناشویی و خانواده‌درمانی آمریکا» ارائه گردیده است. وانگهی، واژه‌نامه مفصلی از اصطلاحات در انتهای کتاب، درج گردیده تا خواندن و یادگیری واژگانی را که ممکن است برای بسیاری از خوانندگان جدید و نو باشند، آسان سازد.

شماری از همکاران سخاوتمندانه با صرف وقت به واریسی دستنوشته‌های کتاب حاضر پرداخته‌اند و برای بهبود محصول نهایی پیشنهادهاتی را مطرح کرده بودند. مخصوصاً، مایلیم از این اشخاص تشکر نماییم: سوزان آنزی وینو از دانشگاه مین، جاشوا گلد از دانشگاه فریلد؛ کلارنس هیبز از دانشگاه پرداین؛ جیمز هالتر از دانشگاه ویسکانسین، دانیل لی از دانشگاه لویولا؛ و نورمن وایسبرگ از دانشکده بروکلین در دانشگاه نیویورک.

مجدداً از آن دسته همکارانی که نخستین بار عطش خانواده‌درمانی را در دل ما برانگیختند و نیز آن دسته از کسانی که ما را همچنان مفتون و مشتاق یادگیری بیشتر نگهداشته‌اند، کمال تشکر را داریم. دوستانمان در انتشارات بروکز / کول همواره مهربان، پاسخگو، باهوش، و آماده کمک‌رسانی در مواقع مورد نیاز بوده‌اند و باعث گردیده‌اند که وظیفه نگارش ما به مراتب سهلتر شود.

برای هر دوی ما، تألیف و نگارش در کنار یکدیگر هنوز هم در مقایسه با پرورش فرزندانمان - با تمامی دشواریها و البته پادشاهی‌ش - صرفاً امری ثانوی به شمار می‌آید.

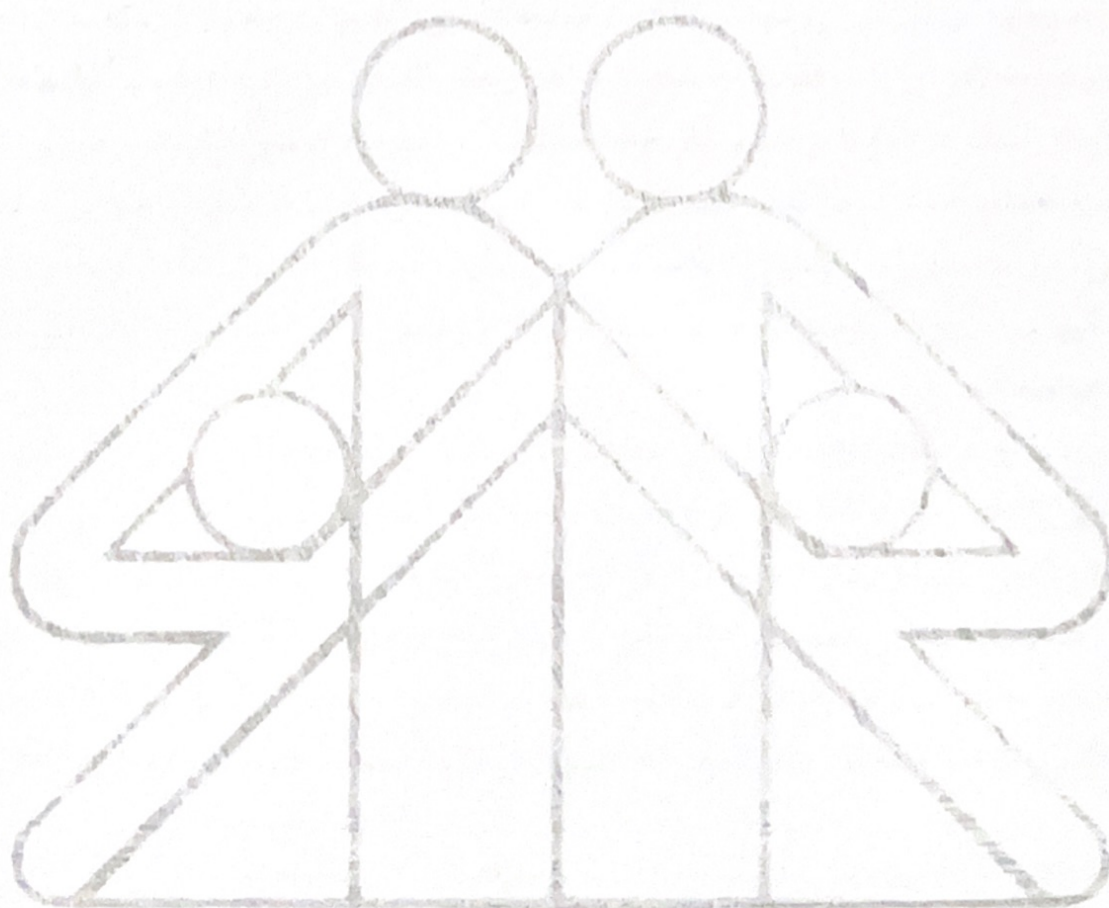
ایرنه گلدنبرگ

هربرت گلدنبرگ

۱- از آنجایی که این موارد در حال حاضر در ایران وجود ندارد، برای احتراز از افزایش حجم کتاب، مطالب مزبور ترجمه نشده‌اند.

# بخش اول

چشم اندازهای خانواده درمانی





# فصل اول

## اتخاذ چهارچوب ارتباط خانوادگی

خانواده چیزی بیش از مجموعه افرادی است که در یک فضای مادی و روانی خاص به سر می‌برند. خانواده یک **نظام**<sup>۱</sup> اجتماعی و طبیعی است که ویژگیهای خاص خود را دارد. این نظام اجتماعی مجموعه‌ای از قواعد و اصول را ابداع و برای اعضای خود نقشهای متنوعی تعیین می‌کند. علاوه بر این، خانواده از یک ساخت نظامدار قدرت برخوردار است، صورتهای پیچیده‌ای از پیام‌رسانیهای آشکار و نهان را به وجود می‌آورد، و روشهای مذاکره و مسئله‌گشایی مفصلی در اختیار دارد که به آن اجازه می‌دهد تا تکالیف مختلفی را با موفقیت به انجام برساند. رابطه اعضای این خرده‌فرهنگ<sup>۲</sup> رابطه‌ای عمیق و چندلایه‌ای است که عمدتاً بر اساس تاریخچه مشترک، ادراکها و فرضهای مشترک و درونی شده راجع به جهان، و اهداف مشترک بنا نهاده شده است. در چنین نظامی، افراد به وسیله علائق و دلبستگیهای عاطفی نیرومند، دیرپا، و متقابل به یکدیگر متصل شده‌اند. ممکن است از شدت و حدت این علائق و دلبستگیها در طی زمان کاسته شود، لیکن باز هم علائق مزبور در سراسر زندگی خانوادگی به بقای خود ادامه خواهند داد.

ورود به چنین نظام سازمان‌یافته‌ای صرفاً از طریق تولد، فرزندخواندگی<sup>۳</sup>، یا ازدواج صورت می‌گیرد. همان‌طور که کی<sup>۴</sup> (۱۹۸۵) اظهار کرده است، خانواده‌ها اعضای جدیدی به وجود می‌آورند و با آنکه سرانجام به این اعضای جدید خودمختاری ارزانی می‌دارند و دیگر انتظار ندارند که با آنها زیر یک سقف زندگی کنند، باز هم این عضویت خانوادگی تا پایان عمر دست‌نخورده باقی می‌ماند. به نظر او، قدرت خانواده به حدی است که به‌رغم فرسنگها فاصله میان اعضا و حتی مرگ برخی از آنان، باز هم تأثیر خانواده پابرجا خواهد ماند. حتی زمانی که عضوی از خانواده موقتاً یا دائماً در مورد خانواده‌اش احساس

۱- اصطلاحاتی که با حروف سیاه نوشته شده‌اند در قسمت «واژگان فنی» تعریف شده‌اند.

2- microculture

3- adoption

4- Kaye

مسئولیت‌هایی جدید تبدیل شده است - تغییر دهند، موضوع مکمل بودن نقشها کماکان امری ضروری باقی می‌ماند؛ زیرا زوجین، بر سر اختلاف نگرشها و سبکهای فرزندپروری به توافق برسند. با بزرگتر شدن فرزندان و لزوم ارایه رفتارهای متفاوت از سوی والدین با توجه به مراحل مختلف زندگی این فرزندان، انطباق با دیدگاههای فردی یکدیگر می‌بایست ادامه یابد. در آغاز و در کل دوره فرزندپروری، ضرورت دارد که به رغم گسترش ملزومات فرزندپروری و تکوین خرده‌نظام کارآمد والدین، آنها برای حفظ تحکیم خرده‌نظام همسران که زیربنای بهزیستی خانواده است، کماکان تلاش کنند.

**خرده‌نظام همسیرها** اولین تجربه را در مورد عضویت در گروه همسالان و فراگیری نحوه حمایت، همکاری، و دفاع (و همچنین رقابت، مبارزه، و توافق بر سر اختلافها) به دست می‌دهد. در مجموع، کودکانی که این خرده‌نظام را می‌سازند، یاد می‌گیرند که با نظام فرعی والدین ارتباط برقرار کنند تا بتوانند تغییرات ارتباطی متناسب با تغییرات رشدی را که دستخوش آن می‌شوند، ایجاد نمایند.

در خانواده‌ای که کارکرد سالمی دارد، این سه خرده‌نظام به شیوه‌ای یکپارچه عمل می‌کنند تا تفکیک و در نتیجه، وحدت نظام خانواده حفظ شود.

### نفوذپذیری مرزها

ترکیب ویژه هر خرده‌نظام، تقریباً به اندازه وضوح مرزهای آن اهمیت ندارد. به عبارت دیگر، مرزهای درون خانواده از لحاظ انعطاف‌پذیری یا **نفوذپذیری**<sup>۱</sup> با یکدیگر تفاوت دارند، و میزان دسترسی به هر خرده‌نظام، ماهیت و فراوانی ارتباط و تماس میان اعضای خانواده را تعیین می‌کند. **مرزهای کاملاً** مشخص<sup>۲</sup> بین خرده‌نظامهای خانواده، به حفظ جدایی افرادی کمک می‌کند و همزمان بر احساس تعلق به کل نظام خانواده صحه می‌گذارد. در حالت آرمانی، وضوح مرزها، با فراهم کردن حمایت و دسترسی ساده برای پیام‌رسانی و توافق بین نظامهای فرعی در زمان لازم، بهزیستی کل خانواده را بهبود می‌بخشد، و در همان حال، استقلال و آزادی تجربه اعضای هر یک از این نظامها را تشویق می‌کند. خودپروی اعضای خانواده فدا نمی‌شود، ولی در همین ضمن، این مرزها آن قدر انعطاف‌پذیر هستند که محبت، حمایت، و مشارکت خانوادگی به میزان لازم در دسترس هر عضو باشد. وقتی خانواده‌ای می‌کوشد که به مرور زمان برای انطباق با شرایط متغیر زندگی، تغییرات ساختاری را به وجود آورد، فایده مهم وضوح مرزها عیان می‌شود.

**مرزهای بسیار خشک یا انعطاف‌ناپذیر** باعث ایجاد سدها و موانع غیرقابل نفوذ بین خرده‌نظامها می‌شوند. در این حالت، دنیای والدین و کودکان - سلسله‌مراتب نسلی - از یکدیگر جدا و متمایز هستند؛ اعضای این خرده‌نظامها مشتاق یا قادر به ورود به دنیای یکدیگر نیستند. وقتی والدین و فرزندان نتوانند هر زمان که ایجاب کند، مرز خرده‌نظامها را تغییر دهند یا از آن عبور کنند، خودپروی می‌تواند محفوظ بماند، ولی عطوفت، آمیزش، و تبادل ساده محبت با یکدیگر، معمولاً از کف می‌رود.

1- permeability

2- clearly defined

